



# مجله موسیقی

مرداد و شهریور ۱۳۵۱

شماره ۱۳۲ دوره سوم



از : دونالد پاش

آموزش موسیقی در تلویزیون

ترجمه دکتر رضا جعفری

هنگامی که در ایالات متحده امریکا از آموزش موسیقی در تلویزیون سخن میرود بیدرنگ معلمی که بکودکان تعلیم آواز می دهد، یا نوازندگانی که درباره آلات موسیقی گفتگو می کنند، یا استاد دانشگاهی که در مورد ادبیات

موسیقی بحث می‌کند، به ذهن متبادر می‌شود؛ و حال آنکه به اعتقاد من آموزش موسیقی از طریق تلویزیونی باید چیزی به مراتب بالاتر و برتر از این باشد و هست. در واقع من در ارزشهای به اصطلاح آموزشی چنین برنامه‌هایی شك و تردید دارم. تصور کلی این آموزش باید حدود دوره‌ها و قرن‌هایی وسیعتر، و انواع بیشتر موسیقی و شیوه‌های تفهیم آنان را دربرگیرد. از آنجا که من گسترده‌ترین تعریف ممکن را از آموزش موسیقی در تلویزیون در نظر دارم، بنابراین از موسیقی در تلویزیون بطور کلی بحث خواهم کرد. سخافت و کهنگی این عقیده که برنامه موسیقی تلویزیونی تنها موقعی آموزشی است که شامل مطالب تفصیلی تفسیری یا نوعی نمایشگری یا هر دو باشد، امروزه بر همگان آشکار است. درست است که این عناصر می‌توانند جزئی از برنامه باشند، لیکن الزاماً نباید عوامل اصلی و اساسی را تشکیل دهند. البته در صورتی که برنشتاین، بولز یا بارن بویم، (که به‌سه «ب» تلویزیون مشهورند)، برنامه اجرا کنند، اشکالی پیش نخواهد آمد. اما این گونه نوازندگان بسیار نادر و کمیابند.

بطور کلی من معتقدم که صحبت و نمایشگری بیش از حد موجب می‌شود که مردم تلویزیون خود را خاموش کنند. چرا ممکن نیست که در يك برنامه به تفسیر نقش حساستر و دقیقتری بدهیم؟ و نیز چرا نوازندگی توسط يك موسیقی‌دان برجسته فی‌نفسه ذاتاً آموزشی نیست؟ موسیقی! همواره بیش از شخصی، که می‌کوشد آن را تفسیر کند، سخن می‌گوید و توجه شنوندگان را هم به مراتب بیشتر جلب می‌کند. بهمین نهج، نوازنده هم بیش از مفسر می‌تواند جلب توجه کند. غالباً تعبیر و تفسیرهای پیچیده موانعی به وجود می‌آورد که در ابتدا وجود نداشته است. ما بالقاء این نکته به مردم، که آنها به منظور درك والتذاذ از موسیقی ناگزیر از فهم پاره‌ای از مفاهیم هستند، آنها را همراه می‌کنیم. عقیده شخص من این است که بیشتر توفیق و پیروزی يك برنامه موسیقی تلویزیونی بستگی دارد بر تهیه خود برنامه در کلیه مراحل آن، منجمله طرز کار دوربین، صحنه‌ها، نور و محتوی بصری مکمل (در صورتی که وجود داشته باشد). شکوه و تأثیر يك برنامه ممکن است بر اثر روشهای نامناسب و ناهنجاری که در تهیه برنامه بکار گرفته می‌شود تا حد زیادی کاهش یابد.

در مورد موسیقی سنتی و قطعات کلاسیک کاملاً شناخته شده يك آرایش ساده می‌تواند مؤثر واقع شود. بگذارید موسیقی خودش حرف بزند. برنامه‌های



معاصر - که بعداً در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت - برای صحنه سازی و آرایشهای خاصی مناسب است - لیکن، اعم از اینکه برنامه سنتی باشد یا معاصر، کلیه حرکات دوربین‌ها باید با آنها تطبیق داده شود. موسیقی مشخص و معین می‌کند که دوربین باید حرکت کند یا تصویر بیدرنگ از یک دوربین در دوربین دیگر «گرفته» یا «محو» شود. نحوه آرایش صحنه و نورتلویزیون نیز باید با موسیقی هم آهنگی داشته باشد.

تهیه‌کننده برنامه موسیقی در تلویزیون مانند رهبر ارکستر است، و همچون او باید مفسر دقیق و حساسی باشد؛ این قدرت را داشته باشد که نظرات خود را به کارگردان، صحنه آرا، نوازندگان، مأمورین فنی، گردانندگان تهیه برنامه، و جمیع افرادی که در برنامه شرکت دارند، القاء کند؛ باید بتواند این افراد را بصورت یک گروه واحد بکار وادارد. بنابراین تهیه‌کننده باید از موسیقی و سایر هنرها آگاهی کامل داشته و در امر تهیه برنامه‌های تلویزیونی تا حدی آشنائی و تجربه داشته باشد. لازم به تذکر نیست که وی همچنین باید دارای قدرت اداره و اجرای هر برنامه را داشته باشد. چون در تلویزیون عمومی، تأمین بودجه جهت اجرای برنامه‌های موسیقی و سایر برنامه‌های هنری ضرورت دارد، وجود استعداد و بینش در این مورد در تسهیل کار تهیه‌کننده برنامه مؤثر است. اخیراً دانشگاه میشیگان با بودجه‌ای که از طرف بنیاد فورد در اختیار آن گذاشته شده بود، یک سری مشتمل برده برنامه بنام «موسیقی قرن بیستم» تهیه کرد که بیشتر نوازندگان جوان در آن شرکت داشتند. در نمایش موسیقی معاصر بویژه در مورد پیشتازان، ممکن است شیوه معمولی نمایش و ارائه چندان کسب موفقیت نکند.

اگر بخواهیم تعداد شنوندگان موسیقی معاصر روزافزون باشد، باید برنامه بنحو و شیوه‌ای اجرا شود که برای آنها جالب و قابل فهم باشد. قبل از هر چیز باید شنونده را بگوش دادن تشجیع و ترغیب کرد، آیا وسیله‌ای برای این امر وجود دارد؟ بنظر من صحنه آرائی هنری اینگونه برنامه‌ها در تلویزیون، در انجام این مهم سهم بسزائی دارد. طرز صحنه آرائی، تنظیم نور، استفاده از الکترونیک و طریق فیلمبرداری، و سایر ویژگیها، همه و همه در پیشبرد این مقصود کمک میکنند. پاره‌ای از این وسائل را میتوان بطور موثری در سالنهای کنسرت نیز مورد استفاده قرار داد. اگر نور صحنه‌ها بطرز مناسبتر و جالبتری تنظیم می‌شد و اگر نسبت به تعویض منظره و چشم انداز خشک و بیروح و



محقر بعضی از سالنها بذل توجه بیشتری می‌شد همه موسیقی‌ها مؤثرتر و جالبتر بنظر می‌رسید. تلویزیون در تهیه صحنه‌های مؤثر و هنری برای برنامه‌های موسیقی آمادگی و استعداد بسیار دارد، و حتی شاید این آمادگی را از سالنهای کنسرت بیشتر دارا باشد. بیان این مطلب موجب مسرت است که کلیه نوازندگان برنامه «موسیقی قرن بیستم»، بدون استثناء، مسحور و مفتون شیوه صحنه-آرایی و طرز استفاده از وسائل خاصی، که مابکار برده بودیم، شدند. بعضی از آنها احساس میکردند که موسیقی در تلویزیون بسیار مؤثرتر بود تا در سالنهای کنسرت. همچنین، کارکنان تلویزیون، که از موسیقی، یا بکلی بی‌مایه - یا اندک مایه بودند، استفاده از این روشهای خاص و متنوع را بسیار جالب یافتند. آنها هم، همچون دیگران، فکر میکردند که محتوی بصری به‌شونده کمک میکند. البته، این شیوه‌ها بمنظور تکمیل موسیقی، و نه بمنظور بی‌اعتبار کردن آن، مورد استفاده قرار گرفته بود. هدف اصلی ما تشویق و ترغیب شنوندگان به گوش کردن موسیقی معاصر بود.

از نظر ما، اتمام و پایان این طرح، سرآغاز و طلیعه توسعه و گسترش شیوه‌ها و تکنیک در امر ارائه و نمایش موسیقی معاصر در تلویزیون محسوب میشود. این سری برنامه‌ها فقط جنبه آزمایشی داشت و امری قطعی و لایتغیر تلقی نمی‌گردید.

گرچه در سری برنامه‌های «موسیقی قرن بیستم» جنبه بصری برنامه‌ها بسیار ملحوظ نظر بود، معذالك، نسبت بچگونگی و کیفیت صدا بی‌التفاتی و بی‌اعتنائی نشده بود. برای ضبط برنامه‌ها از عالیترین و حساس‌ترین میکروفون‌های فیدلیتی و دستگاههای انعکاس صدا استفاده می‌شد و در تنظیم توازن صدا دقت بسیار مبذول می‌گردید. امید است که اینگونه برنامه‌ها دلیل موجه و مقنع دیگری باشد برای بهتر کردن کیفیت صدای دستگاههای گیرنده و دستگاههای انتقال تلویزیون بطور کلی؛ بعلاوه انتظار میرود که با پیدایش پدیده ضبط صدا بطریق «ویدیو» و «کاست» جهت استفاده در دانشگاهها، کنسرواتوارها، مدارس و منازل، تجربیاتی شبیه برنامه «موسیقی قرن بیستم» و سایر برنامه‌های موسیقی، که ما تهیه کرده‌ایم، اهمیت و ارزش خود را در این وسیله ارتباط جمعی پیدا کند.

طی سالیان دراز کمکهای تلویزیون ملی آموزشی (NET) در مورد موسیقی، فقط در زمینه‌های ارکسترهای سنفونی برجسته، اجرای چندخواننده



شهیرو چندنوازنده توانا و معروف، و معلمین هنرمند و اپرای خود تلویزیون ملی آموزشی محدود شده است و به تکنوازی و موسیقی مجلسی در برنامه‌های آن توجهی مبذول نگردیده است. همچنین «NET» معمولاً ترجیح داده که موسیقیدانانی را که هم اکنون در کار خود پیروز بوده‌اند در برنامه خود بگنجانند، و برنامه‌هایی تهیه کند که برچسب «مخصوص» به آن خورده است. بالنتیجه، برنامه موسیقی مرتب و منظم وجود ندارد و بنظر می‌رسد که موسیقی هر سال مورد بی‌مهری بیشتری قرار می‌گیرد. در حال حاضر موسیقی اصلی و مهم NET توسط گروه اپرای آن است. فرستنده بوستون اپراهای گروه اپرای تلویزیون ملی آموزشی را، که بودجه آن بیشتر از طرف بنیاد فورد تأمین می‌شود، تهیه می‌کند. همچنین این ایستگاه ظرف دو سال گذشته یک سری برنامه‌های کنسرت با «ارکستر موسیقی پاپ بوستون» اجرا کرده که قسمتی از هزینه آنرا باز بنیاد فورد تقبل کرده است.

وقتی تلویزیون ملی آموزشی، شبکه تلویزیون بشمار می‌رفت نظر بر این بود که برنامه‌های موسیقی، بصورت نکتوازی یا موسیقی مجلسی، بایستی در سراسر امریکا توسط فرستنده‌های محلی پخش شود. این نظریه فقط در چند شهر مورد اجرا واقع گردید.

البته، هرگونه بحث در مورد برنامه‌های موسیقی آموزشی در تلویزیون، بایستی «کنسرت جوانان» لئونارد برنشتاین را، که توسط ارکستر فیلارمونیک نیویورک اجرا می‌گردد، در برگیرد. این یک برنامه تلویزیونی تجارتمند است که توسط شبکه CBS پخش می‌شود. سالهاست که برنشتاین موفق شده در این برنامه توجه گروه‌سنی وسیعی را، از کودکان کلاسهای ابتدائی گرفته تا دانشجویان دانشگاهی، جلب کند و این در نوع خود شاهکار درخشانی است. شخصیت، سلاست و روانی، و توانائی و استعداد موسیقی او موجب می‌گردد که در این برنامه‌ها جمیع گروه‌های سنی را علاقمند و مفتون سازد. معهدا اینگونه برنامه‌ها در هر فصل بیش از چهار مرتبه اجرا نمی‌گردد.

یک سری برنامه‌های دیگر در تلویزیون تجارتمند تحت عنوان «دوربین سوم» اجرا می‌گردد، که بعضی از قسمتهای آن به انواع مختلف موسیقی که آنهم بیشتر جنبه و نحوه نمایشی دارد، تخصیص داده می‌شود. این برنامه‌ها توسط ایستگاه تلویزیون WCBS در نیویورک، که یکی از پنج فرستنده متعلق به شبکه CBS است، تهیه می‌گردد و از نظر حرفه‌ای کیفیتی عالی دارد و بیشتر



مورد توجه بینندگان بالغ قرار می‌گیرد. متأسفانه این برنامه‌ها از طرف فرستنده‌های وابسته به شبکه CBS، صبحهای یکشنبه پخش می‌شود، که از نظر بینندگان وقت مناسبی نیست.

در سالهای اخیر شبکه‌های تلویزیون تجارتي برنامه‌های ویژه‌ای با شرکت هنرمندان برجسته، چون هوروویتس، روبنشتاین، اویستراخ، ریختر، و هایفتز بمعرض نمایش گذاشته‌اند. با نهایت تأسف باید بگوییم که باستانی برنامه روبنشتاین، بقیه برنامه‌ها حق هنرمندان و اجرای موسیقی را ادا نکرد. کیفیت صدا، حرکات دوربین‌ها، محتوی موسیقی، و تهیه بطور کلی مطلوب و دلپسند نبود.

بدبختانه موسیقی هنوز آنچنانکه باید و شاید مقام برجسته خود را در برنامه‌های تلویزیون ملی باز نیافته است. درست است که کیفیت صدا مانع بزرگی بشمار می‌رود، لیکن برای بهبود آن طرق مختلفی وجود دارد. بهانه کردن کیفیت صدا در برابر عدم کوشش در ارائه يك برنامه عالی در این وسیله ارتباطی حماقت محض است. تلویزیون، خواهی نخواهی، يك وسیله ارتباط جمعی بسیار مهم بشمار می‌رود که تنها مخصوص موسیقی نیست و مردم، و بخصوص جوانان، ساعات بیشماری از وقت خود را به تماشای برنامه‌های آن می‌گذرانند. جا دارد که موسیقی در تمام این برنامه‌ها نقش اساسی‌تری را ایفاء کند.

دلیل دیگر فقدان برنامه‌های موسیقی در تلویزیون تجارتي یا عمومی در ایالات متحده امریکا این است که عملاً موسیقیدانان ورزیده و چیره‌دست، در تهیه برنامه‌ها شرکت و دست ندارند. یافتن کارکنانی که هم، آگاهی کامل به موسیقی داشته باشند و هم در امر تهیه برنامه‌های تلویزیونی بصیر و کاردان باشند، بسیار مشکل است.

واضح است که دلیل اساسی بر اینکه، تعداد برنامه‌های موسیقی شبکه‌های تلویزیون تجارتي محدود و معدود است این است، که اینگونه برنامه‌ها بمذاق توده بینندگان بطور کلی خوش نمی‌آید. ( بعضی از برنامه‌ها که هنرمندان برجسته در آن شرکت دارند در صورتیکه باتخیل و ذوق بیشتر و حرفه‌ای‌تر تهیه شود بینندگان بیشتری را جلب خواهد کرد. ) معذالك این فکر موجب نهایت تأسف است که، برنامه‌ای که فقط مورد پسند پنج یا ده میلیون نفر قرار می‌گیرد ارزش صرف وقت و پول را ندارد. از لحاظ قضاوت عادلانه، در



مورد پخش برنامه‌های تجارتي بايد بگويم كه تلویزیون عمومی هم از این طرز تفکرها و آزاد نیست. در زمانیکه درباره اهمیت انواع اقلیت‌ها سخن می‌رود، این طرز تفکر بسیار متضاد جلوه گرمی شود.

در ایالات متحده، تلویزیون تجارتي يك مشت برنامه‌های مصاحبه، مسابقه، کم‌دیهای محلی، وارپته، ورزش، فیلمهای ساخت هالیوود و غیره بخورد مردم می‌دهد که در فواصل معین با برنامه‌های تبلیغاتی قطع می‌شود. فقط چند برنامه مهم، مربوط بامور عمومی وجود دارد و تعداد برنامه‌های فرهنگی بسیار انگشت شمار است. مهمترین برنامه‌هایی که از نظر نظم و ترتیب هر شب از تمام شبکه‌ها پخش می‌شود برنامه اخبار است.

تلویزیون عمومی، که دچار ضعف بودجه است، می‌کوشد که راه‌گزینی پیدا کند. گرچه این شبکه برنامه‌های گوناگون عالی و درخور توجهی ارائه داده است، معذالك برای اینکه شخصیت خود را بعنوان يك شبکه حفظ کند، بایستی دقت نماید که از تقلید برنامه شبکه‌های تجارتي، بخصوص در زمینه امور عمومی، پرهیزد، و بسوی تهیه برنامه‌های بی‌اهمیت و غیر جالب سقوط نکند. امید است که تلویزیون عمومی تهیه برنامه‌های موسیقی جالب و پرارزشی را برای مردم امریکا بعهده بگیرد. کار آنها آغاز خوشی داشته است و هنوز هم می‌تواند برنامه‌های بهتری تهیه کند.

به توسعه بیشتر موسیقی در تلویزیون در ایالات متحده چه امیدی می‌توان داشت؟ من اول آنچه را که ماسعی می‌کنیم در دانشگاه دولتی میشیگان انجام دهیم مورد توجه قرار می‌دهم. بعقیده من باید به گسترش و توسعه برنامه‌هایی که هم اکنون موفقیتی کسب کرده‌اند، ادامه دهیم و در عین حال، با توجه به بودجه ناچیز، وسائل ابتدائی و اندك، و انواع برنامه‌هایی که برای يك دانشگاه مناسب بنظر می‌رسد، افکار تازه و نوی را بارور کنیم. بنظر من يك دانشگاه می‌تواند از حمایت و تشویق هنرمندان مستعد جوانی از سراسر دنیا و تهیه برنامه‌های موسیقی برای بینندگان تلویزیون ملی، که سخت محتاج‌اند، بحق افتخار و مباحات کند. وسعت طرح تلویزیونی «هنرمندان جوان موسیقی» مادر ایالات متحده، و شاید در تمام در دنیا، بی‌نظیر باشد.

من میل دارم ادامه این برنامه‌های نیمساعته کنسرت و رسی‌تال را ببینم. بر اثر موفقیت این برنامه‌ها مایلم توسعه يك نوع برنامه «نیمه مستند» يك ساعته یا یکساعت و نیمه را ببینم که به هنرمندان جوان اجراکننده اختصاص



داده شده و شامل شرح حال، تمرین، اجرا، و پاره‌ای از فعالیت‌های غیررسمی آنها باشد. بعلاوه، من می‌خواهم به تجربه ارائه موسیقی معاصر (با شرکت هنرمندان جوان) ادامه دهم و دلم می‌خواهد بتوانم بایک آهنگساز جوان وابسته، که بخصوص بتواند برای تلویزیون فعالیت کند، کار کنم. (این ملحقات و گسترشها برای برنامه‌های ما بسیار گران تمام خواهد شد.)

ما می‌کوشیم که برخی از فعالیت‌های موسیقی تلویزیونی مان را، با طرح علاقمند کردن بینندگان در محیط دانشگاه، و خارج از آن بر کنسرت‌های زنده، هم آهنگ کنیم. متأسفانه، تعداد علاقمندان و شنوندگان کنسرت در سالهای اخیر در ایالات متحده کاهش یافته است. در دانشگاه دولتی میشیگان، هم ما بر این بوده است که برای این مسئله و بخصوص برای عدم علاقه دانشجویان راحلی بیاییم.

با آنکه در مراسم فستیوال اخیر بتهوون، در دانشگاه تلویزیونی وجود نداشت، معذالك ایستگاه تلویزیون دانشگاه بود که در پیشنهاد این برنامه پیشقدم شد و ب سازمان دادن و گسترش این جشن يك هفته‌ای با شرکت دانیل بارن بویم، پیانیست و رهبر بیست و هشت ساله، و ژاکلین دوپره (مادام بارن بویم) ویولنسلیست بیست و پنج ساله، پینکاس زوکرمان، ویلونیسست بیست و سه ساله و ارکستر سمفونی شیکاگو، کمک کرد. فستیوال با شرکت این موسیقیدانان جوان فعال و برجسته و يك ارکستر بزرگ برای همه يك موفقیت چشم‌گیر بود. بارن بویم، دوپره، و «زوکرمان» با ارکستر سمفونی شیکاگو بار دیگر در فوریه ۱۹۷۲ بدانشگاه آمدند. وقتی این هنرمندان جدید در دانشگاه ما کنسرت می‌دهند، آنچنان هیجان و توجه و علاقه‌ای پدیدار می‌شود که کمتر در جای دیگری در دنیا بچشم می‌خورد. قسمت‌هایی از تمرینات و کنسرت‌های آنها در دانشگاه ما، همراه با فعالیت‌های خودماني دانشجویان، می‌تواند برای يك برنامه تلویزیونی بسیار عالی و جالب باشد. متأسفانه تهیه يك چنین برنامه‌ای بسیار گران تمام می‌شود. برای به اتمام رساندن يك برنامه تلویزیونی بایستی کمک‌های مادی از خارج از دانشگاه استحصال شود. (بیماری ژاکلین دوپره موجب شد که او برنامه‌های کنسرت ویلونسل خود را در فصل ۷۲-۱۹۷۱ لغو کند و این امر پس از نگارش این مقاله رخ داد. اینک در اجرای يك برنامه تلویزیونی در فصل ۷۳-۱۹۷۲ به این مسئله توجه خواهد شد.)



فرستنده تلویزیون ما برای کمک به گسترش جمیع رخدادهای موسیقی، رقص و تئاتر در دانشگاه و همچنین ارائه برنامه‌های مشابهی در جامعه، علاقمند است. در حال حاضر انواع برنامه‌های خبری تلویزیونی خاصی تهیه می‌شود که هدف آن آگاه کردن بینندگان محلی از ثروت سرشار رویدادهای فرهنگی است که در دست‌رسان قرار دارد. همچنین آگهی‌های بازاریابی، یا «تبلیغاتی» تهیه می‌گردد. تلویزیون می‌تواند در ازدیاد و افزایش شماره بینندگان برنامه‌هایی که موسیقی را بطور زنده پخش می‌کنند، کمک موثرتری باشد. ناگفته نماند که ایستگاه تلویزیون، برنامه‌های موسیقی خود را هم بصورت محلی و هم بطریق سراسری توسعه می‌دهد تا برای اینگونه نمایشها تماشاچی فراهم آورد.

در خصوص امیدهای دیگری که برای گسترش بیشتر موسیقی در تلویزیون عمومی دارم، علاقمندم که سازمان پخش برنامه‌های عمومی، گهگاه تهیه یکی از برنامه‌های «شرکت اپرای مرکزی» را، که در تئاتر «تایرون گوتری میناپولیس» بروی صحنه ظاهر می‌شود، از نظر مالی تضمین کند. همچنین مایل‌م که «سازمان» گاهی اوقات برنامه اپرای «سانتافه»ی نیومکزیکو را، که در فضای باز و در صحنه‌ای بنهایت زیبا هنرنمایی می‌کنند خریداری نماید. شکوه و عظمت این نمایشات را بینندگان و منتقدین متفق‌القول تأیید می‌کنند. هم در میناپولیس و هم در سانتافه میتوان برنامه‌های تلویزیونی تهیه کرد که مشتمل بر قسمت‌هایی باشد از اجرای اپرا، تدارک و تمهید مقدمات پشت صحنه، تمرین، و نمونه‌هایی از فعالیت افرادی که در جمیع جهات و وجوه تهیه برنامه دست اندر کارند. دو شرکت میناپولیس و سانتافه فعالیت و اصالت بخصوصی دارند که در اغلب مؤسسات اپرایی دیده نمی‌شود. این دو به نمایش موسیقی در امریکا کمک شایان توجهی می‌کنند.

«سازمان» همچنین باید نسبت به تهیه يك نوع تولید نیمه مستند» در مورد چند ارکستر پیشرو و معروف و نیز تهیه چندین برنامه از ارکسترهای نیمه حرفه‌ای محلی، بذل توجه کند. فی‌المثل، بسیار جالب خواهد بود که «سولتی» را در حالی که با ارکستر سمفونی شیکاگو مشغول تمرین است یا کنسرت اجرا میکند، و همچنین موقعیکه در خانه ویا در جرگه دوستان است مشاهده کنیم. همین امر در مورد بولز Boulez و ارکستر فیلارمونیک نیویورک صادق است. اما، اجتماعات کوچکتری در ایالات متحده هستند که پیشرفتهای



چشمگیری داشته‌اند و مستحق و سزاوار آنند که روی پرده تلویزیون ظاهر شوند و نمونه و سرمشقی برای دیگران قرار گیرند.

عده‌ای از دانشگاه‌های امریکا دانشکده‌های موسیقی بسیار عالی دارند؛ و در حقیقت، بعضی از آنها سرچشمه و منبع حقیقی بداعت و نوآوری هستند؛ و جادارند که نقش مهم‌تر و حساستری را در برنامه‌های موسیقی تقریباً ناقصی، که اکنون در تلویزیون عمومی اجرا می‌شود، بازی کنند. نگرشی، از نزدیک، بر فعالیتهای متنوع موسیقی موسساتی چون دانشگاه ایلی نویز، دانشگاه ایندیانا، دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، دانشگاه نورث وسترن، و مؤسسات مشابه صدق این مدعا را ثابت می‌کند.

بدیهی است که من مشتاقم که «سازمان پخش برنامه‌های عمومی» و بعضی از بنیادهای دیگر، در توسعه برنامه‌های موسیقی برای کودکانی که در گروه‌های سنی مختلف قرار گرفته‌اند، بذل توجه و علاقمندی بیشتری بخرج دهند. این برنامه‌های تجربی باید حاوی قطعاتی از موسیقی مانند «خیابان سه‌سیم» باشد. برای تجربه پول و وقت لازم است. «خیابان سه‌سیم» بدین جهت قرین موفقیت شده که تهیه‌کنندگان بسیار خوش ذوق و مبتکر «سازمان تلویزیون کودکان» در حوزه‌های مختلف آموزشی به تجربه پرداخت و برای اینکار وقت و پول لازم را در اختیار داشت. اینها همچنین برنامه‌ای را که می‌تواند استعداد خواندن کودکان کلاسهای ابتدائی را افزایش دهد آزمایش می‌کنند. همین نوع منابع، صرف وقت، تخیل، باید بمنظور تهیه برنامه‌های موسیقی برای کودکان دست بدست هم دهند.

ایالات متحده کشوری پهناور است که قدرت گسترش برنامه‌های موسیقی جالب، و استعداد ابتکار واقعی را دارد. امید است که «سازمان پخش برنامه‌های عمومی» در تمایل و خواست خود مبنی بر اینکه برنامه‌های شبکه «سرویس پخش برنامه‌های عمومی» این نوع برنامه‌ها را نشان دهد، و تعدادی از ایستگاهها با شرکت در این برنامه‌ها کمک شایانی به بینندگان شبکه سراسری و محلی بکنند، صادق باشد. در صورتیکه این امر انجام گیرد، آموزش موسیقی به گسترده‌ترین مفهوم آن برای گروه وسیعتری از مردم امریکا، صورت واقعی‌تر پیدا می‌کند و این امر مرهون تلویزیون خواهد بود.